

چه چشم اندازی برای تغییر در ایران؟ بخش اول

در روز چهارشنبه سی ژوئن 2010 کنفرانسی توسط گروه پارلمانی احزاب دمکرات سوسیالیست اروپا در یکی از سالن های مرکز پارلمان اروپا در بروکسل با موضوع "چه چشم اندازی برای تغییر در ایران؟"، برگزار شد. این کنفرانس در دو بخش انجام گرفت.

پیش از شروع بحث ها، معاون رئیس احزاب دمکرات سوسیالیست اروپا آقای "آدرین سورین" سخنانی را خطاب به حاضرین در کنفرانس ایراد کرد و بدین طریق به دلایل برگزاری چنین کنفرانسی پرداخت. ایشان متذکر شدند که ما با دعوت از نمایندگان از جامعه ایرانیان تلاش داریم در رابطه با مسائلی که دارای اهمیت است با آنها صحبت کنیم. در واقع قابل تاکید است که ما در مورد ایران صحبت هایی بسیاری انجام می دهیم و در باره تهدیدات این کشور بحث و گفتگو می کنیم. بحث های ما تنها در رابطه با موضوعات مربوط به مسائل هسته ای نیست بلکه به حمایت ایران از سازمان های بنیادگرا نیز توجه داریم. روشن است که سخنان رهبران حکومت ایران موجب تنش می شود.

ایران یک کشور قوی و قدرتمند است و دارای منابع زیادیست. این کشور در یک منطقه ژئوپولیتیک قرار دارد. ما نمی توانیم ایران را مورد توجه قرار ندهیم. کشورهای دیگر چنین وضعیتی را ندارند. ما همواره در باره انواع مختلف روش ها و راه حل ها صحبت می کنیم. هیچیک از این روش ها شاید نتواند ما را به اهداف مطلوبمان برساند. اما ما قطعاً به بررسی روش های متفاوت خواهیم پرداخت. در اینجا بحث تحریم ها مطرح می شود. حتی مسئله نظامی هم طرح شده است. در رابطه با تحریم ها دو نکته قابل توجه است؛ آیا تحریم ها می تواند موثر واقع شوند؟ بخودی خود آیا ما می توانیم کاری بکنیم که این تحریم ها از تحریم های قبلی موثرتر شوند؟ البته ما چنین ارزیابی نداریم. ما فکر نمی کنیم که تحریم های مورد نظر ما منجر به تغییر شود. در حال حاضر حمله نظامی روی میز قرار دارد. روشن است که که یک راه حل به اصطلاح نظامی خوب نیست. تعداد کمی از ما از این روش دفاع می کنند.

موضوعی که در اینجا عجیب به نظر می رسد این است که وقتی از تهدیدات ایران صحبت می کنیم کمتر از جامعه ایران حرف به میان می آوریم. ما تا حدودی تحت تاثیر ایران اوایل انقلاب اسلامی هستیم و فکر می کردیم که جامعه ایران یک جامعه غیر پویا است. اما ما امروز می دانیم که وضعیت اینگونه نیست. ما فکر می کنیم که جامعه ایران تغییر کرده است و این پویایی مثبتی می باشد. و این بسیار خوب است. امید ما بیش از هر چیز باید این باشد که به این پویایی توجه نشان دهیم.



ما باید سیاست تحریم ها را مورد توجه قرار دهیم و همه سیاست ها را کنار نگذاریم. ما اگر بخواهیم در مسیر صحیح قرار گیریم باید به اموری توجه کنیم که در جامعه ایران اتفاق می افتد. برای ما جامعه ایرانیان در داخل و خارج از کشور دارای اهمیت است.

در ایران یکسری مسائل مربوط به حقوق بشر وجود دارد که باید به آن توجه نشان داده شود. بعضی از سازمان ها می گویند بدون تغییر رژیم هیچگونه تغییری امکانپذیر نیست. روشن بگویم ما بدنبال تغییر رژیم نیستیم و اتحادیه اروپا چنین سیاستی را پیش نمی برد. اما در برابر تهدیدات و دفاع از مردم خودمان ما وظیفه داریم از خود دفاع کنیم. به نظرم اتحادیه اروپا باید نقش مهمتری در این عرصه بازی کند. اروپا

قادر است که اینکار را بکند. اتحادیه اروپا ابزارهای مناسبی در اختیار دارد که می تواند با اتکا به آنها نقش خود را خوب بازی کند. این که چگونه می شود این نقش را بازی کرد در واقع این به عهده ماست. ما با برگزاری چنین کنفرانس هایی تلاش می کنیم با دعوت از مهمانان با آنها به بحث و گفتگو بپردازیم. ما به حرف های مهمانان خود گوش می دهیم. از نظر من مشارکت دادن جامعه مدنی ایران و ارتقای دموکراسی، بهتر از هر تحریمی است."

بعد از سخنان "آدرین سورین" پانل اول بریاست خانم "ماریا مونیز" از حزب سوسیالیست اسپانیا، تحت نام "زمان بندی هسته ای" نسبت به "زمان بندی دموکراسی" آغاز شد. ایشان در صحبت های کوتاهی متذکر شدند که "انتخابات سال گذشته مردم ایران را دچار یاس و ناامیدی کرد. خیلی ها تصورشان این بود که ایران تغییر می کند و گروه دیگر حکومت را بدست می گیرند. اما در حال حاضر یک دولت امنیتی در ایران درست شده است که کشور را تحت کنترل خود گرفته است. مشکلات زیادی وجود دارد. ما نسبت به قرار داد سه کشور تحت نام قرار داد تهران زمان لازم قائل نشدیم. مشکلات داخلی در ایران وجود دارد و میان اپوزیسیون ایران یک استراتژی مشترک وجود ندارد. پارلمان اروپا از طریق گفتگو، اعلامیه، قطعنامه و سیاست تحریم ها در برابر حکومت ایران موضعگیری کرده است. در ایران رژیم بر سر کار است که با مردمش از طریق اختناق و سرکوب برخورد می کند. پارلمان اروپا از ایجاد فضایی دموکراتیک در جامعه ایران حمایت می کند."



در این هنگام خانم "ماریا مونیز" میکروفون را در اختیار آقای عباس میلانی (مورخ، ایران شناس و نویسنده ای ایرانی ساکن آمریکا و مدیر برنامه مطالعات ایرانی در دانشگاه استنفورد که در ضمن استاد مدعو دانشکده علوم سیاسی است) قرار دادند. آقای میلانی در صحبت های خود متذکر شدند که "رژیم ایران در عرصه سیاست اجتماعی و اقتصادی شکست خورده است و بدین طریق مشروعیت خودش را از دست داده است. در دوره آقای بوش کابینه ایشان روی موارد مربوط به قرار داد ان. پی. تی. حرکت نکرده است. در ایران این موضوع به تقویت ناسیونالیسم کمک کرده است. در ایران طبق قرارداد ان. پی. تی، غنی سازی وجود دارد. در ایران رژیم کنونی به مردم و به تمام جهان دروغ گفته است. رژیم در عرصه اتمی موفقیت داشته است اما نقطه ضعفش موضوعات دموکراتیک بوده است. چنانچه سخنران قبلی متذکر شدند ایران کشور مهمی در منطقه و جهان محسوب می شود. اتفاقاتی که در ایران روی داده است در دیگر کشورها اتفاق نیفتاده است. تنها این اتفاقات در سه کشور ایران، ترکیه و مصر روی داده است. پس این اتفاقات بسیار مهم می باشند. رژیم ایران از تنش های غرب بسیار استفاده برده است. از اختلاف روسیه با دیگر کشورها و نیز از چین بدلیل نیازش به انرژی کمک گرفته است. این استراتژی خیلی دارای اهمیت است. رژیم بدنبال وقت بود و در این عرصه نیز موفق شد. ما قبلاً با هفت سانتیفیوژ مواجه بودیم اما امروز در حدود هفتصد سانتیفیوژ در ایران وجود دارد.



ما می دانیم که دموکراسی قابل صدور نیست. اما امکان این وجود دارد که ایده ها را وارد ایران کرد. ایران یکی از قدیمی ترین دموکراسی های خاور میانه است. هیچ دموکراسی در خاور میانه وجود ندارد که مردمش ببینند و تظاهرات سه میلیونی بدون خشونت در تهران برگزار کنند. در ایران یک جنبش دموکراسی خواهی قوی وجود دارد. رژیم ایران پول دارد و از خشونت هم برای سرکوب مردم استفاده می کند. یک اقلیتی در

ایران وجود دارد که برای در قدرت ماندن حاضرند همه کار بکنند. البته رژیم توان این را دارد که به هر اقدامی دست بزند اما طرف مقابل او هم قدرت این را دارد که سه میلیون نفر را در تهران به خیابان بیاورد و یکسال بعد نیز همچنان حضورش محسوس باشد. البته حکومت می داند که اروپا و غرب و کلاً جهان شاهد همه چیز است و او دیگر نمی تواند همه کار انجام دهد. ما همچنان که از حقوق محیط زیست دفاع می کنیم باید از حقوق بشر نیز دفاع کنیم. ما باید مجازات های دقیقی را که هدفشان فقط آتم های مشخصی چون فرماندهان سپاه پاسداران هستند را انجام دهیم. تکنولوژی هایی وجود دارند که می توانند از سد سانسور عبور کنند. مردم ایران باید به این تکنولوژی ها دسترسی داشته باشند. راه حل نظامی خوب نیست و این بیشتر به نظامیان و آن اقلیتی که از 12 ژوئن سال 2009 قدرت را به دست گرفته، کمک می کند. گذر به دموکراسی تنها راه ایران است و مردم ایران چنین ظرفیت و توانی را دارا هستند.

در ادامه کنفرانس نوبت به آقای "روزبه پارسی" رسید. ایشان کارشناس اروپایی در امور سیاست ایران، تحلیلگر دانشگاه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا (EUISS)، که در حال حاضر در فرانسه مستقر هستند. ایشان در بحث خود متذکر شدند که "مشکل فقط این نیست که مخالفین در ایران سازماندهی نشده اند. در اروپا و آمریکا تصور خوبی از ایران وجود ندارد. اینکه تحریم ها را اجرا کنیم یا نکنیم ما در واقع می خواهیم چه اهدافی را دنبال کنیم؟ در این مورد طبق موضوع پاتل، دو زمانبندی وجود دارد. که یکی زمان بندی اتمی است و دیگری سیاست داخلی ایران. در مورد سیاست اتمی، تحریم ها یکی از راه حل ها بوده است. ما نمی توانیم این مشکل را جوری حل کنیم که روی کاغذ زیبا به نظر رسد. در ضمن ما راه حل های محدودی داریم. اما ایده اینکه تحریم ها کافی خواهد بود و آنها را مجبور خواهد کرد که از برنامه اتمی خود منصرف شوند کافی نیست. اتحادیه اروپا دارد می گوید که این تحریم ها از نظر قانونی موفقیت آمیز نخواهد بود و ما را به یک بن بست خواهد کشانید. ما چه استفاده ای روی سیاست تحریم ها می کنیم؟ هر چند که تحریم ها می توانند زمینه قانونی داشته باشند اما ما باید حتماً مذاکره کنیم. آنها از خط قرمزها گذر کرده اند. ایده فرایند دموکراسی تنها راه حل اساسی است. این ضرورت دارد که با حاکمان ایران مذاکره کنیم خارج از اینکه از آنها خوشمان بیاید یا نیاید. ما باید بفهمیم که آیا مردم ایران از این مجازات ها بین المللی بهره خواهند برد؟ در ضمن حقوق بشر را نمی توانیم نادیده بگیریم. راه حل نظامی را نباید در نظر بگیریم. همیشه در هر عرصه از تحریم ها، راه حل نظامی هم مطرح می شود و عده ای در باره آن بحث می کنند. ما باید تمام راه حل ها را داشته باشیم که چگونه وارد مذاکره با آنها شویم و نه برای اینکه با آنها وارد جنگ شویم. پیشرفت دموکراسی در ایران دارای اهمیت زیاد است پس باید ساعت زمان بندی را فراموش کرد.



اتحادیه اروپا نقش مهمی دارد و می تواند چنانکه بخواهد خوب بازی کند. اما به نظر می رسد که تنها آمریکا است که طرف ایران می باشد. برای مذاکره سیاسی اتحادیه اروپا موقعیت این را دارد که با ایران وارد مذاکره شود. این فرصت خوب را اتحادیه اروپا نباید از دست بدهد. اتحادیه اروپا بنا به نیاز خود و آن چیزی که در ایران می گذرد و نه صرف اینکه در واشنگتن سیتی چی می گذرد، عمل کند و نباید دنباله رو سیاست آمریکا باشد. در مورد مسائل حقوق بشر که مشترک است وارد مذاکره می بایست شد. ما می دانیم که حقوق بشر موضوعی است که نادیده گرفته شده است. نیاز به یک تفکر استراتژیک دارد. متأسفانه ما فکر نمی کنیم که بعد چه اتفاقی می افتد. فقط موضوع این نیست که امروز چه می گذرد. باید به پنج و ده سال آینده فکر کرد.

در ادامه کنفرانس نوبت به خانم "ژنیو عبود" رسید. ایشان کارشناس سیاست خارجی موسسه «بنیاد قرن» در عرصه مسائل خاورمیانه می باشد و خانم عبود پیش از این در قالب خبرنگار روزنامه گاردین و نشریه اکونومیست در ایران فعالیت داشته است. ایشان در سخنان خود تأکید داشتند که "ما باید بدانیم که امروز نسبت به ژوئن سال گذشته در کجا هستیم. الان سوالی که مطرح است این می باشد که آیا ما به زمان بندی اتمی توجه داریم. اگر به روش دولت و حکومت توجه کنیم می بینیم از ژوئن سال گذشته با دو استراتژی عمل کرده است. یکی این است که جامعه مدنی را محدود کرده است. درحال حاضر بیش از 51 درصد شرکت مخابرات توسط سپاه پاسداران خریداری شده است و در عرصه اینترنت جامعه مدنی بسیار محدود شده است. در واقع ساعت زمان بندی کند شده است. در ایران ده ها هزار بلوگر مجبور شده اند که به فیس بوک مراجعه

کنند. رژیم در این عرصه بسیار موفق بوده است. نخبگان سیاسی به حاشیه کشانده شده اند. دایره هایی در اطراف احمدی نژاد و خامنه ای ایجاد شده است. الان یکسری نقاط فشار در ایران وجود دارد و بدلیل شکاف هایی که در ایران وجود دارد می شود از آنها استفاده کرد. این درست است که رژیم کنترل دارد اما شکاف ها هم گسترش یافته است. تنها موضوع اصلاح طلبان نیست بلکه اختلافات در میان اصول گرایان نیز افزایش یافته است. یکسال قبل رژیم ایران در موقعیت ضعیفی قرار داشت اما با سیاست های غرب تا حدودی تقویت شده است.

سیاست اوباما سیاست مذاکره کامل نبوده است. او از ایران می خواست بر سر یکسری مسائل و بویژه مسائل هسته ای مذاکره کند. در این مدت هر چه فشارها بیشتر شد آن واکنش ها محدودتر گشت. عملکرد غرب در قبال ایران باعث تقویت نظامیان شده است. متاسفانه گروه 5+1، بیانیته تهران میان سه کشور ترکیه، ایران و برزیل را نادیده گرفت و این فرصت از دست رفت. ترکیه اعلام کرد که این قرارداد مقدمه ای بود و این یک مسئله تاسف آوری است.

رئیس جمهور امریکا اوباما سیاست مذاکره را رها کرده است و به سمت رو در روی کشیده شده است. واکنش غرب باعث شده که حکومت ایران خشن تر برخورد کند و سرکوب ها گسترش یابد.

از دولت های غربی می خواهیم که فقط به زمان بندی اتمی توجه نکنند بلکه مناسب است به زمان بندی دموکراتیک و حقوق بشر نیز پردازد. جنبش ایران در سال گذشته نشان داد که ایران و حکومتش آسیب پذیر است. جامعه ایران نشان داد که مشروعیت حکومت بسیار تضعیف شده است. از نظر من موضوع حقوق بشر یک نقطه آسیب پذیر برای حکومت ایران است.

- در ادامه نوبت به طرح سوالات حاضرین در کنفرانس رسید. در این بخش خانم باربارا لخ بیلر رئیس گروه ارتباط با ایران در پارلمان اروپا، تاکیداتی نسبت به صحبت های سخنرانان کردند. ایشان تاکید کردند که "شما مدعوین وضعیت اتمی و حقوق بشری را تحلیل کردید و می دانید که ما در قطعنامه های خود به این موضوعات پرداخته ایم. اگر به تحریم ها تاکید کنیم به بن بست منجر می شود. در این زمینه اگر هدف این باشد که خاور میانه را به یک منطقه عاری از سلاح اتمی تبدیل کنیم مشکلات ما کاهش می یابد.

.....

.....

- یک ایرانی دیگر از گروه اتحاد ایران بلژیک گفت که حقوق بشر برای ما بسیار حائز اهمیت است. اما جمهوری اسلامی نشان داده است که طرفدار مذاکره نیست. این رژیم همه را سرکوب کرده است. تمام کسانی که قرار بود با گروه ایران در پارلمان اروپا در تهران ملاقات و گفتگو کنند دستگیر شدند و امروز در زندان زیر شکنجه هستند. مذاکره نباید با این افراد صورت بگیرد.

- یک خانم متخصص در امور پناهندگی در خصوص متقاضیان پناهندگی ایرانی این سوال را مطرح کرد که چرا اتحادیه اروپا سیاست ساده تری را در برابر پناهندگان ایرانی اتخاذ نمی کند بویژه اینکه بسیاری از متقاضیان در کشورهای اطراف ایران و از جمله ترکیه آواره هستند.

.....

.....

در این بخش سه سخنران مربوطه و حاضر در پانل اول به توضیحات کوتاهی بسنده کردند:

- آقای "روزبه پارسی" توضیح دادند که آدم های کمی در ایران هستند که می خواهند با ما صحبت کنند. وقتی وضعیت سیاسی ایران بی ثبات است شاید ما به نتیجه نرسیم. بدون اینکه ما به تمایلات سیاسی توجه کنیم. برای کاهش تنش و برای اینکه بجایی برسیم که جنگ اتمی اتفاق نیفتد باید به پتانسیل ها و دینامیزهای موجود مراجعه کرد. این به نفع ایران و کل منطقه است.

در ضمن اتحادیه اروپا به دنبال تغییر دولت ها نیست. ما باید گفتگو کنیم و جامعه بین المللی اینجور عمل می کند. اگر راه همه گفتگوها را ببندیم نمی تواند جوابگوی ما باشد. این درست است که عده ای نمی خواهند با ما گفتگو کنند اما عده دیگری هستند که تمایل به گفتگو دارند. به علاوه ما نمی دانیم که آیا ایران از سلاح اتمی استفاده می کند؟ ما نمی دانیم که ایران می تواند بمب اتمی درست کند یا نه؟ استفاده از بمب اتمی یک نوع خودکشی است.

در ضمن اینکه اسرائیل توسط ایران مورد تهدید است بیشتر این موضوع جنبه تخیلی دارد. در واقع این تبلیغی است که نخست وزیر کنونی اسرائیل و خامنه ای تبلیغش را می کنند. دسترسی به بمب اتمی به منزله استفاده از آن محسوب نمی شود. ما در حال حاضر اطلاعات لازم و روشن از وضعیت هسته ای ایران نداریم. اسرائیل فکر می کند که با حمله نظامی می تواند پروژه هسته ای ایران را با بمباران حل کند. این برداشتی غلط است.

- سپس خانم "ژنیو عبیدو" متذکر شدند که جای تاسف است که امریکا سعی نکرده به نکات مشترک با ایران

بپردازد. از زمان 11 سپتامبر مذاکره کنندگانی که با ایران ارتباط داشتند گفته اند که منافع مشترک وجود دارد. به عنوان مثال موضوع افغانستان. اگر ما بر سر این کشور گفته شده مذاکره را ادامه می دادیم می توانستیم به مسئله اتمی هم بپردازیم. امروز دیگر این سیاست در امریکا دنبال نمی شود. یک لیستی از اولویت ها وجود داشت. مثلاً در مورد مذاکره فلسطین و اسرائیل، اورشلیم که مهم ترین و مشکل ترین موضوع بود به عنوان آخرین مسئله طرح شد. به نظرم اول باید مذاکره بر سر منافع مشترک باشد و نه برعکس! جمهوری اسلامی به این نظر ترجیح داشت.



به نظر من امروز جنبش سبز در ایران گسترش پیدا کرده است. این جنبش بزرگتر شده و گروه های بیشتری را در بر گرفته است. برای جنبش سبز بسیار مشکل است که به عنوان اپوزیسیون عمل کند و البته این نقطه ضعف و قوت آن است. رهبران این جنبش می دانند که اگر بیرون بیایند این گروه های کوچک از حمایت بهره مند نخواهند شد. در میان اقلیت های قومی و مذهبی هم مناسب است که متحد شوند. قدرت ایران در خارج از ایران سعی می شود کمتر از آن چیزی که هست نشان داده شود. به نظر من باید با کسانی که در قدرت هستند وارد مذاکره شد.

- آقای "عباس میلانی" در خصوص سوالات توضیح دادند که میلان جز یکی از مناطق آذربایجان است و ایشان آذری می باشند. ایشان در ادامه متذکر شدند که فکر نمی کنند که این رژیم بر علیه اپوزیسیون برنده شده است. اگر پیروز بود دیگر متوسل به سرکوب نمی شد. در گذشته سرکوب همشیه نسبت معکوس داشته است. وقتی که اپوزیسیون نبود سرکوب پایین بود اما وقتی اپوزیسیون قوی شد سرکوب هم افزایش یافت. حکومت در برابر اپوزیسیون احساس ضعف می کند. این رژیم حتی نتوانسته شخصی همچون رفسنجانی را با خود همراه کند. ما می بینیم که کروی روز بروز رادیکال تر می شود. نقد او رادیکال ترین برخورد نسبت به ولایت فقیه بوده است. او اعلام کرده است که ولایت فقیه در ایران دارای حقوقی است که حتی خدا هم آن حقوق را ندارد.

در ایران چهار هزار نفر سرکوب شده اند. امروز کسانی که در زندان هستند همه از سردمداران رژیم هستند. تمام نخبه گان حاکم و از جمله رفسنجانی و خاتمی که 16 سال رئیس جمهور و موسوی هشت سال نخست وزیر این نظام بوده اند و الان آنها جز اپوزیسیون حکومت شده اند. همه اینها نشان می دهد که حکومت در بحران است. حکومت تلاشش این است که این افراد نامبرده بیایند و بگویند که همه چیز تمام شده است و اپوزیسیون شکست خورده است. خوشبختانه موسوی و کروی مخالفت کردند.

نیروهای خارج از کشور نقش بسیار مهمی دارند. باید مطالبات مردم را در خارج از کشور بازتاب داد. از نظر من رژیم طرفدار مذاکره است. آنها گفتند که از قرار داد ان. پی. تی. بیرون خواهند آمد اما این کار را نکردند. خامنه ای می داند که باید با غرب مذاکره کند. روشن است که چین نمی تواند مشکلات تکنولوژی آنها را حل کند. صنعت نفت شش میلیون بشکه نفت صادر می کرد که الان به چهار میلیون کاهش پیدا کرده است.

در ضمن ما می دانیم که تحریم های هوشمند همانطور که از نامش معلوم است هوشمند می باشند. در کویت و امارات عربی بیش از ده هزار شرکت تجاری وجود دارد آنها می خواهند از این تحریم ها عبور کنند. زیرا ایران نفت دارد و این باعث می شود که همه چیز را دور بزنند. الان رژیم هدفش این است که رایانه ها را به گروه های خودی بدهد. و این باعث بروز مشکلات اقتصادی زیادی می شود و از نظر من این جنبش دموکراسی را تقویت نمی کند.

در خصوص مشکلات قومی تنها دولتی که می تواند به آن بپردازد، دموکراسی است. در عرصه اقتصادی، اجتماعی و تاریخی اگر دموکراسی بوجود آید مشکلات ما را حل خواهد کرد. در مورد اعدام های اول انقلاب پیش از اینکه به سرکوب و اعدام کردهای ایرانی بپردازند در اول انقلاب سران رژیم گذشته را اعدام کردند و کسی هم اعتراض نکرد و وقتی تیغ سرکوب به دیگران رسید زبان اعتراض بلند شد.

در ضمن هر ساله یک میلیون نفر به بازار کار ایران اضافه می شود و این مشکل هنگامی حل می شود که دموکراسی به قدرت برسد.

در باره ایران هیچگونه شواهدی در باره بمب اتمی وجود ندارد. نظرسنجی های وجود دارد که البته کافی هم

نیستند نشان می دهند که در ایران تنها ده درصد مردم هستند که خواهان تغییر نمی باشند. اگر این رژیم حمایت اکثریت مردم را داشت به خشونت متوسل نمی شد. اگر حمله نظامی به ایران صورت گیرد صدها هزار نفر کشته خواهند شد. در ضمن برنامه اتمی ایران مثل عراق نیست که اسرائیل برود و براحتی آنها را بمباران کند و بدین طریق موضوع حل شود. صنایع اتمی در سراسر ایران پراکنده است و یک نسل متخصص در این عرصه تربیت شده است. خردین مسئله مذاکره بودآوری

- قبل از پایان پانل اول خانم "ماریا مونیز" متذکر شدند که دعوت آنها از متخصصین ایرانی مسئله تعلق قومیتی آنها نبوده است. بلکه تخصص و تجربه آنها مد نظر بوده است. در مورد سیاست پناهندگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا ما در این عرصه اعلامیه ای را صادر کردیم و از این کشورها خواستیم که در خصوص وضعیت پناهندگی ایرانیان ساده تر و راحت تر برخورد کنند و هماهنگی های لازم صورت گیرد. بعد از این توضیحات از سخنرانان و حاضرین تشکر صورت گرفت و بدین طریق پانل اول به پایان رسید.

پایان بخش اول

گزارش دهنده علی صمد

30 ژوئن 2010 بروکسل

alisamadpouri@gmail.com

1) لازم به توضیح است که تمام سخنرانی ها از طریق تند نویسی صورت گرفته است و اگر ابهام یا اشکالی در گزارش دیده شود مربوط به گزارش دهنده است